بسم الله الرحمن الرحيم

چهل حدیث

اعظم السادات حسینی

حسن

مجموعه گُل
چهل حدیث حُسن ظن
تهیه و تدوین: اداره امور فرهنگی آستان قدس رضوی
نویسنده: اعظم السادات حسینی
مدیر هنری وطراح گرافیک: رضا باباجانی
صفحه آرایی: محمود بازدار
تذهیب جلد: سیده فهیمه کاظمی
ناشر: انتشارات قدس رضوی
نوبت چاپ: دوم - ۱۳۹۱
شمارگان: ۳۰۰۰
چاپ: مؤسسه فرهنگی قدس

شابک: ۹-۹۳-۵۷۹۴-۶۰۰-۹۷۸

نشانی تهیه کننده: مشهد، حرم مطهر، صحن جامع رضوی
ضلع غربی، اداره امور فرهنگی
تلفن: ۰۵۱۱-۲۰۰۲۵۶۷
صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۷۳۵
حق چاپ محفوظ است.

حُسن ظن

۱ بزرگترین گناه

۲ تأخیر در استجابت دعا و سوء ظن به خدا

۳ حُسن ظن در ابتلائات

۴ ترک ازدواج به دلیل تنگدستی

۵ منشاء بخل

۶ از نتایج سوء ظن

۷ منافی ایمان

۸ عامل دشمنی با پروردگار

۹ در معرض آزمایش

۱۰ وعده‌ی خدا

۱۱ توجه به عوامل تأخیر استجابت دعا

۱۲ شناخت فلسفه ابتلائات مانع سوء ظن به خدا

۱۳ ارزش حُسن ظن

۱۴ اهمیت حُسن ظن

۱۵ اساس عبادت

۱۶ برترین عبادت

۱۷ عامل خوش گمانی به خدا

۱۸ مطیع خداوند

۱۹ پایبندی به مقتضیات حُسن ظن

۲۰ مفهوم خوش گمانی

مجموعه گل

۲۱ لزوم خوف و رجاء
۲۲ بیم و امید!؟
۲۳ اصرار بر گناه، منافی حُسن ظن به خدا
۲۴ خوش گمانی در عمل
۲۵ پیدایش حُسن ظن پس از انجام اعمال نیک
۲۶ تفکر، پایه‌ی یقین به خدا
۲۷ معرفت، زمینه ساز حُسن ظن
۲۸ یادکردن نعمت ها و امتنان خداوند
۲۹ قطع امید
۳۰ ثمره توکل و حُسن ظن
۳۱ بهشت یا رنج و محنت؟
۳۲ اخلاص، لازمه‌ی حُسن ظن
۳۳ شرط حُسن ظن
۳۴ وسیله‌ی جلب رحمت
۳۵ راه دست یابی به آمال
۳۶ مبنای دست یابی به سعادت
۳۷ مایه‌ی آرامش دل
۳۸ سخاوت نتیجه حُسن ظن به خدا
۳۹ مانع حسد ورزی
۴۰ از آداب دعا

پیشگفتار

قدر "مجموعه‌ی گُل" مرغ سحر داند و بس...

کلام خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام چونان آفتابی است که زیستن بشر در ظل انوار آن، رنگی آسمانی می‌گیرد و طعمی الهی می‌یابد.

پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام، روشنگران طریق سعادتند و با هدایت‌های آن بزرگواران، گام‌های موفقیت و سعادت را در زمینه‌های مختلف زندگی می‌توان برداشت.

"مجموعه‌ی گُل" عنوان کلی کتب احادیث موضوعی است که به همت محققان و نویسندگان دینی گرد آمده است و در هر کدام از آن به موضوعی خاص پرداخته شده که زوایای مختلف آن از منظر دین مورد مداقه قرار گرفته است.

در این مجموعه سعی شده است کاربردی‌ترین موضوعات و مباحثی که نیاز بیشتر جامعه است ارائه شود. همچنین تلاش شده تا احادیثی مطرح شود که از حیث سند متقن باشد.

امید است مجموعه‌ی حاضر، بهانه‌ای شود تا فعالیت‌های گسترده‌ای در نشر آموزه های خاندان نور علیهم‌السلام انجام گیرد و جامعه اسلامی سرشار از معارف بلند اهل بیت علیهم‌السلام گردد.

آستان قدس رضوی
معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
اداره‌ی امور فرهنگی

مقدمه

واژهٔ ظن و مشقات آن ۶۸ بار در قرآن کریم آمده است.
نزدیک به ۳۰ بار با تعابیر مختلف از سوءظن به خدا یا به سایر اعتقادات مذمت شده است.

سوءظن به خدا در حقیقت انکار یا تردید در صفات خداوند و صدق وعده‌های اوست که در مراتب بالا، همان شرک جلی است که منجر به نفی ربوبیّت خداوند می‌شود و در مراتب پایین‌تر، ضعف ایمان نسبت به قدرت و حکمت و رحمت و درستی وعده‌های خداوند تعالی است.

این‌گونه سوءظن به پروردگار به صور مختلفی ظهور و بروز می‌کند مثلاً آن‌جا که انسان به حکیم بودن خداوند به عدالت او در تقسیم‌روزی و... بین بندگان یقین ندارد حسد می‌ورزد... و چون در رزّاقیت خداوند و تحقق وعده‌های الهی مبنی بر پاداش دنیوی و اخروی برای انفاق‌کنندگان تردید دارد، دچار بخل و حرص می‌شود و چون خدا را فاعل علی الاطلاق نمی‌داند دچار ترس می‌گردد.

بنابراین سوءظن به خدا دارای گسترهٔ وسیعی است به گونه‌ای که حتّی از عمل نکردن به اوامر ونواهی خداوند تعبیر به سوء ظن به ساحت قدس ربوی شده است زیرا ممکن است برخی افراد به زبان، اظهار بندگی کنند ولی تا نسبت به حکیمانه بودن و خیر محض بودن دستورات خداوند و صدق وعده‌های او بر حساب و عقاب بر ایشان یقین حاصل نشود به طور کامل به تمام دستورات شرع عمل نکنند از این روست که به عنوان مصداقی از سوءظن

به خدا از بدبینی به مردم ، در روایات نام برده‌اند زیرا خدای متعال نسبت به عواقب زیان بار اخروی و دنیوی سوءظن به مردم، هشدار داده است و اگر کسی به حقیقت نسبت به هشدار خداوند و صدق وعده‌های او براین که هر کس نسبت به مردم سوءظن داشته باشد از رحمت خدا دور می‌شود و دچار عذاب خواهد شد یقین داشته باشد مرتکب این عمل نخواهد شد.

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: وَ مَنْ اَساءَ بِاَخیهِ الظَّن فَقَدْ أَسَاءَ بِربِّه انَّ الله تَعالی یقولُ: اِجْتَنِبُوا کثیراً مِنَ الظَّنِّ.

(کنزالعمال ۴۹۷/۳)

هر که به برادر خود گمان بد برد به پروردگار خود گمان بد برده است، زیرا خدای تَعالی می‌فرماید: از بسیاری از گمان‌هابپرهیزید.

نکتهٔ حائز اهمیت این است که با تأمل در آثار و پیامدهای سوءظن به خدا چون، ریا، ترس، بخل، حرص... به طور آشکار می‌توان آثار شرک را در آنها دید پس جوهرهٔ سوءظن به خدا همان شرک [جلی و خفی] است بنابراین رهایی از آن با محکم کردن پایه‌های توحید و اعتقاد به قدرت و حکمت و علم پروردگار متعال امکان‌پذیر است.

حسن‌ظن به خداوند باید توأم با خوف از او باشد

معیار ایمان آن است که بیم و امید، توأم با هم در قلب جای گیرند و آثارشان نیز در عمل مشهود باشد اگر تنها امید به رحمت خدا در دل جای گیرد سبب جرأت انسان بر ارتکاب معاصی می‌شود و هرگاه خوف بر رجاء فزونی یابد یأس و نا امیدی را در پی خواهد داشت. در قرآن نیز به هر دوی این‌ها اشاره شده است:

نَبیّءْ عبادی اَنّی اَنا الغفور الرحیم و اَنَّ عذابی هُوَ العذاب الالیمَ. (مائده، ۹۸)

به بندگانم خبر ده که من آمرزنده و مهربانم و عذاب من عذابی درد آور است.

توجه به سیرهٔ عملی معصومین علیهم‌السلام

از آن‌جا که ائمه معصومین علیهم‌السلام مظهر اعلای انسان کامل و فضائل و صفات عالیه‌اند حسن‌ظن به خدا و رجا به او نیز در بالاترین حدّ در وجود آنان متجلی است چنان‌که در ادعیهٔ آنها مشهود است امّا با تأمل در سیرهٔ عملی و عبادی آنها در می‌یابیم که حسن ظن والای آنها به خداوند هرگز ایشان را از انجام فرایض و اجتناب از معاصی باز نداشته است، بلکه آنان زاهدترین و عابدترین و مطیع‌ترین بندگان خدا بودند.

نقل شده است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آنقدر به عبادت خدای ایستاد که پاهای مبارکش ورم می کرد. پس آیا آن‌ها که به صرف لقلقهٔ لسان، اظهار رجا به رحمت خدا کرده ترک واجبات و اصرار بر محرّمات دارند می‌پندارند که خود از آن حضرت و معصومین علیهم‌السلام به رحمت خدا واقف‌ترند و با وجود سعهٔ رحمت حق، ضرورتی بر این همه جدّ و جهد و اظهار بندگی در عبادات وجود ندارد؟!

راه های دستیابی به حسن‌ظن به خداوند

الف- محکم کردن اعتقاد توحیدی

اساسی‌ترین مبنای حسن‌ظن به خداوند در مسأله رزق، یقین به توحید در رزاقیت است منشأ توکل که یکی از آثار حسن‌ظن به خدا می‌باشد این نکته است که بدانیم حول و قوه‌ای به جز خداوند در عالم وجود ندارد گرچه ما باید برای اهداف خود تلاش کنیم ولی در نهایت مسبّب

الاسباب، اوست.

حقیقت اخلاص نیز که یکی دیگر از ابعاد حسن ظن به خداست چیزی جز بینش توحیدی نیست.

زیرا مخلصین می‌دانند که هر خیر و شرّ و عزّت و ذلّتی وابسته به قدرت خداوند است بنابراین به طمع به دست آوردن عزّت و جاه و نام و مقام، اعمال نیکشان را نزد مردم جلوه نمی‌دهند و از سویی از عمل به آن چه خداوند دستور داده است یا از آن نهی کرده در صورت ناخشنودی مردم، هراس ندارند و اعتقاد کامل دارند که:

مَنْ کانَ یُریدُ العزّةَ فَإنَّ العزّة لله جمیعاً. (فاطر/۱۰)

هر که خواهان عزّت است بداند که عزت به همگی از آن خداست.

و نیز سایر آثار حسن ظن مانند زهد، سخاوت، شجاعت همه برخاسته از بینش توحیدی است. این فراز از مناجات راجین، به خوبی تأثیر نگرش توحیدی را در ایجاد رجا و حسن‌ظن به خداوند آشکار می‌سازد:

کَیفَ اَرْجُوا غیرَک وَالْخَیرُ کلُّهُ بیدک و کیف أُؤمِّل سواک و الخَلْقُ و الاَمْرُ لک.

چگونه به غیر تو امید داشته باشم در صورتی که هر خیر و نیکویی به دست توست و چگونه آرزومندِ جز تو باشم در حالی که ملک آفرینش و حکم و فرمان بَر خلق، مخصوص توست.

ب- یاد کردن نعمت ها و الطاف خداوند

یادآوری نعمت‌های مادی و معنوی خداوند و الطاف بیکران او حسن‌ظن انسان به پروردگار را افزایش می‌دهد؛ موجب محکم شدن یقین به قدرت و رحمت و حکمت

پروردگار می‌شود.

چنان‌که وقتی خداوند به حضرت زکریا در سنین پیری وعدهٔ استجابت دعای او برای فرزند دار شدن را می‌دهد حضرت زکریا با تعجب سؤال نمود:

انّی یکون لی غلامٍ و کانتِ إمرأتِی عاقِراً وَ قَدْ بَلَغْتُ مِنَ الکِبَرِ عتِیّاً. (مریم/۸)

چگونه مرا پسری خواهد بود و حال آن که زنم نازاست ومن از سالخوردگی ناتوان شده‌ام.

پروردگارِ عالم، آفرینش خود او را یادآوری نمود:

قالَ کَذلک قال هو عَلَیَّ هیّنٌ و قَدْ خَلَقْتُکَ مِنْ قَبْلُ وَ لَمْ تَکْ شیئاً. (مریم/۹)

گفت: پروردگارت این چنین گفته است این برای من آسان است و تو را که پیش از این چیزی نبوده‌ای بیافریده‌ام.

ج- تفکّر

حسن ظن به خداوند در حقیقت نوعی معرفت به پروردگار است که با تکیه بر اوهام و خیالات ممکن نیست و اگر بر مبنای چنین مسائلی باشد با اندک شبهه و یا سختی که در زندگی به وجود می‌آید از بین خواهد رفت. لقمان حکیم یکی از افرادی است که در اثر تفکر در عظمت خداوند و قدرت او به حسن ظن به خدا متّصف است. او در پرتو این حسن ظن به درجه‌ای رسید که محبت خداوند را درک کرد و خود نیز محبوب خدا شد.

در پایان، ما نیز چون رسول اکرم ﷺ چنین با خدا نجوا می‌کنیم:

اللّهمّ انّی اَسألک التوفیق لِمَحابکَ من الاعمال و صدق التوکّل علیک و حسن الظّن بکَ.

حسینی

۱ بزرگ‌ترین گناه

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم:

أَكْبَرُ الْكَبائِرِ سُوءُ الظَّنِّ بِاللهِ.

بزرگ‌ترین گناه کبیره، بدگمانی به خداست.

نهج‌الفصاحه، ص ۲۳۶

۲

تأخیر در استجابت دعا و سوء ظن به خدا

عَنْ البَزَنْطِیِّ قالَ: قُلْتُ لِلرِّضا علیه‌السلام:

جُعِلْتُ فِداکَ اِنّی قَدْ سَأَلْتُ اللهَ حاجَةً مُنْذُ کَذا و کَذا سَنَةً وَ قَدْ دَخَلَ قَلْبی مِنْ اِبْطائِها شَیْءٌ ...فَقالَ لی: اَخْبِرْنی عَنْکَ لَوْ اَنّی قُلْتُ قَوْلاً أَکُنْتَ تَثِقُ بِه مِنّی؟! فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِداکَ! إذا لَمْ اَثِقْ بِقَوْلِکَ فَبِمَنْ اَثِقُ؟ ... قالَ: فَکُنْ بِاللهِ اَوْثَقَ فَاِنَّکَ عَلی مَوْعِدٍ مِنَ اللهِ اَلَیْسَ اللهُ عَزَّوجَلَّ یَقُولُ: و اِذا سَأَلَکَ عِبادی عَنّی فَاِنّی قَریبٌ اُجیبُ دَعْوَةَ الدّاعِ اِذا دَعانِ.

از بزنطی نقل شده که به امام رضا علیه‌السلام گفتم: فدایت شوم من چند سال است که از خدا حاجتی می‌طلبم و از تأخیر در اجابتش در دلم شبهه‌ای پدید آمده است... حضرت به من فرمود: بگو بدانم اگر من سخنی به تو بگویم آیا به آن اعتماد می‌کنی؟ عرض کردم: فدایت شوم اگر به سخن شما اعتماد نکنم پس به چه کسی اعتماد کنم؟... حضرت فرمود: پس به خدا بیشتر اعتماد داشته‌باش زیرا خداوند به تو وعدهٔ اجابت داده است مگر نه این است که خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: هرگاه بندگانم دربارهٔ من از تو بپرسند من به آنان نزدیکم و دعای دعاکننده را اجابت می‌کنم.

اصول الکافی، ج ۲، ص ۴۸۸

۳ حُسن ظن در ابتلائات

عَنْ اَحْمَدِبْنْ عُمَرَ قالَ: دَخَلْتُ عَلَى اَبِى الحَسنُ الرِّضا عليه‌السلام فقلْتُ لَهُ:

جُعِلْتُ فِداک، اِنَّا کُنّا فِى سَعَةٍ مِنَ الرِّزقِ وَ غَضارَةٍ مِنَ العَيْشِ فَتَغَيَّرَتِ الْحالُ بَعْضَ التَّغْييرِ فَادْعُ الله عَزَّ وَ جل اَنْ يَرُدَّ ذلک اِلَيْنا.

فقالَ: اَىُّ شَىءٍ تُريدُونَ، تَكُونُونَ مُلُوكاً؟! اَيَسُرُّکَ اَنْ تَكُونَ مِثْلَ طاهِرٍ وَ هَرْثَمَةَ و اَنَّکَ عَلى خِلافِ ما اَنْتَ عَلَيهِ؟

قُلْتَ: لا وَ الله ما يَسُرُّنى اَنَّ لِىَ الدُّنْيا بِما فيها ذَهَباً و فِضَّةً وَ اِنّى عَلى خِلاف ما اَنا عَلَيه. فَقَالَ...

اَحْسنوا الظَّنَّ بالله فَاِنَّ اَباعَبدالله عليه‌السلام كانَ يَقُولُ: مَنْ حَسُنَ ظَنُّهُ بالله كانَ اللهُ عِنْدَ ظَنِّه بِهِ و مَنْ رَضِىَ بِالقَليلِ مِنَ الرِّزقِ قَبلَ اللهُ مِنْهُ اليَسيرَ مِنَ العَمَلِ... و اَخْرَجَهُ منها [مِنَ الدنيا] سالماً اِلى دارِ السَّلام.

یکی از اصحاب امام رضا علیه‌السلام نقل کردند که به آن حضرت عرض کردم: فدایت شوم! ما در[وضع خوب] فراخی روزی و خرّمیِ زندگی بودیم و اکنون قدری وضع ما به هم خورده، به درگاه خداوند دعا کن که وضع ما را به همان منوال بازگرداند. فرمود چه می‌خواهید؟ می‌خواهید سلطان باشید یا دوست داری مانند طاهر و هرثمه[۱] باشی ولی مذهب و عقیده‌ات برخلاف آن‌چه اکنون داری باشد؟! عرض کردم: نه به خدا سوگند؛ خوش ندارم دنیایی پر از طلا و نقره داشته باشم ولی مذهبم برخلاف آن‌چه اکنون دارم باشد.

پس امام رضا علیه‌السلام فرمود... گمانتان را به خدا نیک کنید که امام صادق علیه‌السلام می‌فرمود: هر که گمانش به خدا نیک باشد خدا به همان‌گونه با او رفتار کند و هر که به روزیِ اندکِ خدا قانع باشد خداوند هم عملِ اندک او را بپذیرد... و او را از این جهان، سالم به سوی آن جهان بیرون بَرَد.

اصول الکافی، ج ۱۵، ص ۷۶۵

۱. طاهر و هرثمه از دشمنان اهل بیت و نزدیکان به دستگاه بنی العباس بودند، اما وضع مالی خوبی داشتند.

۴

ترک ازدواج به دلیل تنگدستی

قَالَ الصَّادِقُ عليه‌السلام:

مَنْ تَرَکَ التَّزْویجَ مَخافَةَ العَیْلَةِ فَقَدْ اَساءَ الظَّنَّ بِرَبِّهِ لِقَوْلِهِ تَعَالی: اِنْ یَکُونُوا فُقَرَاءَ یُغنِهِمُ اللهُ مِنْ فَضْلِهِ.

هر کس که از ترس تنگدستی ازدواج نکند، به خدای خود گمان بد برده است؛ چرا که خداوند تعالی می‌فرماید: اگر تنگدست باشند خداوند آنان را از فضل خویش بی‌نیاز خواهد کرد.

مکارم الاخلاق، ص ۱۹۶

۵ منشأ بخل

قَالَ عليٌّ عليه‌السلام:

وَ لا تُدْخِلَنَّ فِی مَشْوَرَتِک بَخِیلاً یَعْدِلُ بِکَ عَنِ الفَضْلِ وَ یَعِدُکَ الفَقْرَ وَ لَا جَبَاناً یُضَعِّفُکَ عَنِ الاُمُورِ وَ لَا حَرِیصاً یُزَیِّنُ لَکَ الشَّرَهَ بِالْجَوْرِ، فَاِنَّ الْبُخْلَ وَ الْجُبْنَ و الحِرْصَ غَرَائِزُ شَتَّی یَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِ بِاللهِ.

با بخیل، مشورت مکن که تو را از نیکی باز می‌دارد و از فقر می‌ترساند، و با ترسو مشورت مکن که بدی ستم را نزد تو آرایش می‌دهد؛ تردیدی نیست که بخل و ترس و حرص، غرایز متعددی هستند که رابطه‌ی میان آن‌ها سوءظن به خداست.

نهج‌البلاغه، نامه ۵۳

۶ از نتایج سوءظن

قَالَ عَلِیٌّ علیه‌السلام:

اَلبُخلُ بِالمَوْجُودِ سوءُ الظّنِّ بِالمَعْبُودِ.

بخل ورزیدن به آنچه در دست داری بدگمانی به معبود است.

شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۳۲۹

۷ منافی ایمان

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم:

خَصْلَتانِ لا تَجْتَمِعَانِ فی مُؤمِنٍ:
البُخْلُ و سُوءُ الظنِّ بِالرِّزْقِ.

دو ویژگی در مؤمن، جمع نمی‌شود،
بخل و سوءظن به رزق و روزی.

بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۷۴

۸ عامل دشمنی با پروردگار

قَالَ عَلِیٌّ عليه‌السلام:

وَ لا یَغْلِبَنَّ عَلیْکَ سُوءُ الظَّنِّ بِاللهِ عَزَّوَجَلَّ فَإِنَّهُ لَنْ یَدَعَ بَیْنَکَ وَ بَیْنَ خَلیلِکَ صُلْحاً.

مبادا بدگمانی به خداوند عزّوجل برتو غالب شود، زیرا این بدگمانی بین تو و دوستت[که خداوند است] صلح و آشتی باقی نمی‌گذارد.

وسائل‌الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۳۰

۹
در معرض آزمایش

قَالَ السَّجّادُ عليه‌السلام:

اللَّهُمَّ اِنّکَ ابْتَلَیْتَنَا فِی اَرْزَاقِنَا بِسُوءِ الظَنِّ وَ فِی آجَالِنَا بِطُولِ الاَمَلِ حتّی الْتَمَسْنَا اَرْزاقَکَ مِنْ عِنْدِ المَرْزُوقِینَ وطَمِعْنا بِآمَالِنَا فِی اَعْمَارِ المُعَمَّرِینَ.

خداوندا! تو ما را در روزی‌هایمان به سوءظن و در طول عمر به آرزوی دراز آزمایش فرمودی تا آن‌که روزی تو را از روزی‌خواران تو خواستیم و عُمرهای دراز معمّرین را آرزو کردیم.

صحیفه‌ی سجادیه، دعای ۲۹

۱۰ وعده‌ی خدا

قَالَ رَجُلٌ مِن أصحَابِ أَبِی عَبدِ اللهِ علیه‌السلام:

قلت : قَولُهُ (عزَّ و جلّ) «وَ ما اَنْفَقْتُمْ مِنْ شَیْءٍ فَهُوَ یُخْلِفُهُ و هُوَ خَیْرُ الرَّازِقِینَ» وَ اِنّی أُنْفِقُ وَ لا اَرَی خَلَفاً. قَالَ: اَفتَرَی اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ اَخْلَفَ وَعْدَهُ قُلْتُ: لا قَالَ فَمِمَّ ذَلِکَ؟ قُلْتُ: لا اَدْرِی! قَالَ: لَوْ اَنَّ اَحَدَکُمْ اِکْتَسَبَ المَالَ مِنْ حِلِّهِ وَ اَنْفَقَهُ فِی حِلِّهِ لَمْ یُنْفِقْ دِرْهَماً اِلّا اُخْلِفَ عَلَیْهِ.

یکی از اصحاب امام صادق علیه‌السلام (که تحقق وعده الهی دربارۀ انفاق را به صورت برکت در زندگی مادّی‌اش نمی‌دید. دچار تردید در صحت وعده‌های الهی در زمینه انفاق شد لذا) به آن حضرت چنین عرض کرد: من درباره‌ی آیه‌ی«هر آنچه انفاق کنید، خداوند عوض آن را می‌دهد و او بهترین روزی دهندگان است».شبهه برایم پیش آمد زیرا: من انفاق می‌کنم ولی عوضش را نمی‌بینم.

فرمود به نظر تو خدا خُلف وعده می‌کند؟
گفتم: نه! فرمود: پس این به دلیل چیست؟
گفتم: نمی‌دانم! فرمود: چنانچه هر یک از شما
مالی را از راه حلالش به دست آورده و آن را در
راه حلال انفاق کند هیچ درهمی نمی‌دهد مگر
آنکه به او عوض داده شود.

اصول کافی، ج ۲، ص ۴۸۶

۱۱ توجه به عوامل تأخیر استجابت دعا

قَالَ عَلِیٌّ علیه‌السلام:

فَلا یُقَنِّطَنَّکَ اِبْطاءُ اجابَتِه فَإنَّ الْعَطِیَّةَ عَلیٌّ قَدْرِ النِّیَّةِ و رُبَّمَا اُخِّرَتْ عَنْکَ الاجابَةُ لِیَکُونَ ذلکَ اَعْظَمَ لاَجْرِ السّائلِ وَ اَجْزَلَ لعَطاءِ الآملِ وَ رُبَّما سَأَلْتَ الشَّیْءَ فَلا تُؤْتاهُ وَ اُوتیتَ خَیْراً منْهُ عَاجلاً اَوْ آجلاً اَوْ صُرفَ عَنْکَ لِما هُوَ خَیْرٌ لَکَ. فَلَرُبَّ اَمْرٍ قَدْ طَلَبْتَهُ فیه هَلاکُ دینِکَ لَوْ أوتیتَهُ.

مبادا کُندیِ در اجابت، تو را مأیوس و نا امید کند، زیرا بخشش به اندازه نیّت و خواست قلبی است و بسا تأخیر در اجابت برای این است که پاداش درخواست کننده بیشتر و آرزومند بخشش فراوان‌تر گردد، چه بسا چیزی را درخواست کرده‌ای و به جای آن چیز دیگری که سودش در دنیا و آخرت، برایت بیشتر بوده به تو عطا گردیده، یا به خاطر امر بهتری از تو باز داشته شده، زیرا بسیاری از خواسته‌هاست که اگر عملی گردد دین را تباه می‌کند.

نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۳۱

۱۲ شناخت فلسفه ابتلائات مانع سوءظن به خدا

قَالَ السَّجَّادُ عليه السلام:

اللَّهمَّ لَکَ الحمدُ عَلِيٌّ ما لَمْ ازَل أَتصرَّفُ فِيه مِنْ سَلامَةِ بَدَنِي وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلِيٌّ مَا اَحْدَثْتَ بِي مِنْ علَّة فِي جَسَدِي فَما اَدْرِي يَا الِهي ايُّ الْحالَيْنِ اَحَقُّ بالشُّكْرِ لکَ وَ ايُّ الوَقْتَيْنِ اَوْلي بِالْحَمْدِ لَكَ؟
اَوَقْتُ الصِّحَّة الّتي هَنَّأْتَنِي فيهَا طَيِّبات رِزْقِک وَ نَشَّطْتَنِي بِها لإبْتغاء مَرْضاتِک وَ فَضْلِک وَ قَوَّيْتَنِي مَعَها عَلِيٌّ مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ مِنْ طَاعَتِکَ؟ اَمْ وَقْتُ العلَّة الّتي مَحَّصْتَنِي بِها؟ وَ النِّعَم الّتي اَتْحَفْتَنِي بها تَخْفيفاً لما ثَقُلَ بِهِ عَلِيٌّ ظَهْري مِنَ الخَطيئَات وَ تَطْهيراً لِمَا انْغَمَسْتُ فيه مِنَ السَّيِّئات وَ تَنْبيهاً لِتَناوُلِ التَّوْبَة وَ تَذْكِيراً لِمَحوِ الحَوْبَة بِقَديمِ النِّعْمَة؟! وَ في خلال ذلك ما كَتَبَ لِيَ الْكَاتِبان مِنْ زَكيِّ الاعْمالِ ما لا قَلْبٌ فَكَّرَ فيه وَ لا لِسانٌ نَطَقَ بِهِ وَ لا جَارِحَةٌ تَكَلَّفَتْهُ بَلْ افْضَالاً مِنْک عَلِيٌّ وَ احْساناً مِنْ صَنيعِک اِلَيَّ.

حُسن ظن

خداوندا! تو را سپاس بر آن تندرستی که همیشه از آن برخوردار بودم، سپاس تو را بر این بیماری که در تن من پدید آوردی و نمی‌دانم کدام یک از این دو حال به شکرگزاری سزاورتر است و کدام یک از این دو هنگام به سپاس اولی‌تر؟! آیا هنگام تندرستی که روزی‌های پاکیزه خود را بر من گوارا ساخته ای و مرا در طلب رضایت و فضل خود چالاک گردانیده و برای ادای طاعاتی که توفیق دادی مرا نیرو بخشیدی؟ یا هنگام بیماری که مرا از آلودگی‌ها پاک کردی و تحفه‌ها فرستادی تا بار پشت مرا از گناهان سبک گردانی و از چرک و معصیت که بِدان آلوده‌ام پاک سازی و متوجه کردی مرا که قدر نعمت پیشین بدانم و به یاد من آوردی که بوسیله توبه، زنگ گناه را از خویش بزدایم و در این میان، نویسندگان برای من چندان عمل صالح نوشتند که در اندیشه هیچ دل نگنجد و هیچ زبان یارای بر شمردن آن را ندارد و هیچ یک از اندام‌های من رنجی برای آن عمل نکشیده، بلکه محض فضل و احسان توست!

صحیفه‌ی سجادیه، دعای ۱۵

۱۳ ارزش حُسن ظن

قَالَ الرِّضَا عليه‌السلام:

اَحْسن الظَّنَّ بِاللهِ فَاِنَّ اللهَ (عزّوجلّ) يَقُول اَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِیَ المُؤْمِنِ بِی اِنْ خَيْراً فَخَيْراً وَ اِنْ شَرًّا فَشَرًّا.

به خدا گمان نیکو داشته باش! چرا که خداوند عزّوجل می‌فرماید: من چنانم که بندهٔ مؤمنم می‌پندارد، چنانچه [گمانش] نیکو باشد، نیکو و چنانچه بد باشد من هم [در گمان او] همانطورخواهم بود.

اصول الکافی، ج ۲، ص ۷۲

۱۴ اهمیت حُسن ظن

قَالَ البَاقِرُ علیه‌السلام:

لا یَحْسن ظَنُّ عَبْدٍ مُؤمِن بِاللهِ الّا کانَ اللهُ عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِهِ الْمُؤمِن لِأَنَّ اللهَ کَریمٌ بِیَدِهِ الخَیْرَاتُ یَسْتَحْیِی اَنْ یَکُونَ عَبْدُهُ المُؤمِنُ قَدْ اَحْسن بِهِ الظَّنَّ ثُمَّ یُخْلِفُ ظَنَّهُ وَ رَجاءَهُ فَاَحْسنوا بِاللهِ الظَّنَّ وَ ارْغَبُوا الَیْه.

هیچ بنده‌ی مؤمنی به خدا گمان نیک نبرده مگر این که خداوند چنان است که بنده‌اش می‌انگارد. زیرا خداوند بخشنده است و خوبی‌ها در دست اوست و حیا می‌کند که بنده‌ی مؤمنش به او گمان و امید نیک بَرَد و او خلاف گمان و امید او رفتار کند پس به خدا گمان نیک برید و از او بخواهید.

اصول کافی، ج ۲، ص ۷۱

۱۵ اساس عبادت

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله وسلم:

رَأْسُ العبادةِ حُسنُ الظَّنِّ بِالله.

سرآغاز عبادت، خوش گمانی به پروردگار است.

مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۴۰

حُسن ظن

۱۶ برترین عبادت

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم:

اِنَّ اَفْضَلَ العبادةِ حُسن الظَّنِّ بِالله.

برترین عبادت، خوش‌گمانی به پروردگار است.

کنزالعمال، ج ۳، ص ۱۳۴

۱۷ عامل خوش‌گمانی به خدا

قَالَ رَسُولُ‌اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم:

حُسن الظّنِّ مِنْ حُسنُ العِبادَةِ.

حُسن ظنّ [به خدا] ناشی از حُسن بندگی است.

نهج‌الفصاحه، ص ۴۴۴

۱۸ مطیع خداوند

قَالَ الصَّادِقُ عليه‌السلام:

... وَ لا یَکُونُ مُحسن الظَّنِّ فی خَلْقِ اللهِ اِلَّا المُطِیعَ لَهُ یَرْجُوا ثَوابَهُ وَ یَخافُ عِقابَهُ.

در میان بندگان خدا تنها کسی به او خوش گمان است که مطیع فرمان او باشد و از مجازات او بترسد.

بحارالانوار، ج ۶۷ ، ص ۳۹۰

۱۹ پایبندی به مقتضیات حُسن ظن

قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ:

یَحْکِی عَنْ رَبِّهِ تَعالی: اَنَا عِنْدَ حُسنِ ظَنِّ عَبْدِی بِی یا محمّد! فَمَنْ زَاغَ عَنْ وَفاءِ حَقیقَةِ مُوجِباتِ ظَنِّه بِرَبِّه فَقَدْ اَعْظَمَ الْحُجَّةَ عَلیٌّ نَفْسِهِ وَ کانَ مِنَ المَخْدُوعِینَ فِی اَسْرِ هَواهُ.

پیامبر اکرم ﷺ به نقل از پروردگارش می‌فرماید: من نزد گمان نیکوی بنده‌ام هستم ای محمّد! پس هر که از وفاداری به حقیقت ما به جای گمانِ خود به پروردگار خویش روی برتابد، حجّت را بر خویش گران گردانده و در شمار نیرنگ خوردگانی است که در بند هوس گرفتار است!

بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۳۹۰

۲۰ مفهوم خوش‌گمانی

قَالَ الصَّادِقُ علیه‌السلام:

حُسن الظَّنِّ بِاللهِ اَنْ لَا تَرْجُوا اِلّا الله
و لا تَخَافُ اِلَّا ذَنْبَکَ.

خوش‌گمانی به خدا این است که جز به خدا،
امید نداشته باشی و جز از گناهت نترسی.

اصول کافی، ج ۲، ص ۷۲

۲۱ لزوم خوف و رجا

قَالَ الصَّادِقُ عليه‌السلام:

يَنْبَغِي لِلْمُؤمِنِ اَنْ يَخَافَ اللهَ تَبارَکَ وَ تَعَالَى خَوْفاً كَأَنَّهُ مُشْرِفٌ عَلِيٌّ النَّارِ و يَرْجُوَهُ رَجاءً كَأَنَّهُ مِنْ اَهْلِ الْجَنَّة، ثمّ قَالَ: اِنّ اللهَ عَزَّوَجلَّ عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِهِ اِنْ خَيْراً فَخَيْراً وَ اِنْ شَرّاً فَشَرًّا.

سزاوار است که مؤمن، چنان از خداوند بترسد که گویی آتش[دوزخ] را می‌بیند و چنان به خداوند، امیدوار باشد که گویی از اهل بهشت است. سپس امام صادق عليه‌السلام فرمود: خداوند، نزد گمان بندهٔ خود است اگر خوب باشد خوب، و اگر بد باشد، بد است.

اصول الکافی، ج ۸، ص ۳۰۲

۲۲

بیم و امید

قَالَ عَلِیٌّ علیه‌السلام:

إِنْ اِسْتَطَعْتُمْ أَنْ یَشْتَدَّ خَوْفُکُمْ مِنَ اللهِ و اَنْ یَحْسن ظَنُّکُمْ بِهِ، فَاجْمَعُوا بَیْنَهُمَا، فَاِنَّ العَبْدَ اِنَّما یَکُونُ حُسْنُ ظَنِّهِ بِرَبِّهِ عَلِیٌّ قَدْرِ خَوْفِهِ مِنْ رَبِّهِ وَ اِنَّ اَحْسن النّاسِ ظَنّاً بِاللهِ اَشَدُّهُمْ خَوْفاً لله.

اگر می‌توانید که هم ترستان از خدا بسیار و هم گمانتان به او نیک باشد، این دو را با هم جمع کنید، زیرا خوش‌گمانی و امید بنده به پروردگارش به اندازه‌ی ترس اوست از پروردگارش و خوش گمان‌ترین مردم به خدا بیم‌ناک‌ترین آن‌هاست از خدا.

نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۲۷

۲۳ اصرار بر گناه، منافی حُسن ظن به خدا

یکی از اصحاب امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند:

قُلْتُ لهُ قَوْمٌ یَعْمَلُونَ بِالمَعاصی وَ یَقُولُونَ نَرْجُوا فَلا یَزالُونَ کَذلِکَ حَتَّی یَأتِیَهُمُ الْمَوْتُ فَقَالَ هَؤُلاءِ قومٌ یَتَرَجَّحُونَ فِی الْاَمَانِیّ کَذَبُوا لَیسُوا بِرَاجِین، مَنْ رَجا شَیْئاً طَلَبَهُ وَ مَنْ خَافَ مِنْ شیءٍ هَرَبَ منه.

به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: گروهی هستند که گناه می‌کنند و می‌گویند امید [به بخشش الهی] داریم پس اینان پیوسته چنین‌اند تا این که مرگ به سراغشان می‌آید. حضرت فرمود: این‌ها گروهی هستند که به آرزوها گرایش دارند، دروغ می‌گویند، امیدوار به رحمت الهی نیستند، زیرا کسی که به چیزی امید دارد، آن را طلب می‌کند و کسی که از چیزی بیم دارد از آن می‌گریزد.

وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۱۶

۲۴ خوش‌گمانی در عمل

قالَ عَلیٌّ علیه‌السلام:

یَدَّعی بِزَعْمِهِ اَنَّهُ یَرْجُوا اللهَ کَذَبَ و الْعَظیم! ما لَهُ لا یَتَبَیَّنُ رَجاؤُهُ فی عَمَلِه؟ وَ کُلّ راجٍ عُرِفَ رَجَاؤُهُ فی عَمَلِه اِلّا رَجاءَ اللهِ فَاِنَّهُ مَدْخُولٌ و کُلُّ خَوْفٍ مُحَقَّقٌ اِلّا خَوْفَ اللهِ فاِنَّهُ مَعْلُولٌ. یَرْجُوالله فِی الْکَبیرِ و یَرْجُو الْعِبادَ فِی الصَّغیرِ فَیُعْطِی العَبْدَ مَا لَا یُعْطِی الرَّبَّ فَما بالُ اللهِ جَلَّ ثَناؤُهُ. یُقَصَّرُ بِهِ عَمّا یُصْنَعُ لِعِبادِهِ؟!

کسی که به گمان خود، ادّعا دارد که به خدا امید دارد، سوگند به خدای بزرگ که دروغ می‌گوید! او را چه شود که امیدواری‌اش در عملش آشکار نیست؟! هر امیدوار شده‌ای اثر امیدش در عملش پیداست، مگر امیدی که مردم به خدای تعالی دارند که این امید دارای نقص و ناخالص است و هر ترسی [اثرش] مسلّم و

ثابت است، مگر ترس از خدا که این ترس [در بیشتر مردم] ناقص است. در کار بزرگ [آخرت] به خدا امید دارد، در کار کوچک [دنیا] به بندگان خدا، امیدوار است پس با بندۀ خدا به گونه‌ای رفتار می‌کند که با خداوند چنین رفتاری ندارد، پس چگونه است شأن خداوند [جل ثناؤه] که در حق او نسبت به آنچه با بندگان، رفتار می‌شود، کوتاهی می‌گردد؟!

وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۱۸

۲۵ پیدایش حُسن ظن پس از انجام اعمال نیک

قَالَ السَّجَّادُ علیه‌السلام:

وَتَقَرَّبْتُ اِلَیْکَ بِمَا لا یَقْرُبُ اَحَدُ مِنْکَ اِلّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِ ثُمَّ اَتْبَعْتُ ذلِکَ بِالاِنَابَةِ اِلَیْکَ وَ التَّذَلُّلِ وَ الْاِسْتِکانَةِ لَکَ وَ حُسنِ الظَّنِّ بِکَ وَ الثِّقَةِ بِمَا عِنْدَکَ.وشَفَعتُکَ بِرَجَائِکَ الَّذی قَلَّ مَا یَخیبُ عَلَیهِ رَاجِیک.

و به همان اعمال، تقرّب جستم که هر کس قرب تو خواهد، به غیر آن تقرّب نجوید، با این حال به سوی تو بازگشتم و فروتنی نمودم و زاری کردم و گمان نیک از تو داشتم و به آنچه نزد توست دلگرم بودم و امید تو را شفیع خود ساختم، که کم است کسی امیدوار تو باشد و نا امید شود!

صحیفه‌ی سجادیه، دعای ۴۷

۲۶ تفکر، پایه ی یقین به خدا

قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ:

لَم یَکُن لُقمَانَ نَبِیّاً وَلَکنَّهُ کَانَ عبداً کَثیرَ التفکّر حُسن الیَقِینِ اَحَبَّ اللهَ فَاَحَبَّهُ وَ مَنَّ عَلِیِّهِ بِالحِکْمَةِ.

پیامبر اکرم ﷺ در توصیف لقمان حکیم فرمودند: همانا لقمان، بنده‌ای بود که بسیار تفکر می‌کرد و یقین [به خداوند] داشت خدا را دوست می‌داشت پس خداوند هم او را دوست داشت و خدا هم بر او منت گذاشت و [به او حکمت عطا فرمود].

بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۴۲۴

۲۷ معرفت، زمینه ساز حُسن ظن

رُوِیَ اَنَّ داوود ﷷ قَالَ:

یا رَبِّ ما آمَنَ بِکَ مَنْ عَرَفَکَ وَ لَمْ یُحسِنِ الظَّنَّ بِکَ.

روایت شده است که داوود پیامبر ﷷ با خدا چنین مناجات می‌کرد: پروردگارا! کسی که تو را شناخته باشد ولی حُسن‌ظن به تو نداشته باشد، در حقیقت به تو ایمان نیاورده است.

مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۴۸

۲۸ یاد کردن نعمت ها و امتنان خداوند

قَالَ عَلِیٌّ علیه‌السلام:

اِلهی کَیْفَ لا یُحْسِنُ مِنّی الظَنّ
وَ قَد حَسُنَ مِنْکَ المَنَّ.

پروردگارا! چگونه به تو حُسن ظن نداشته باشم؛ حال این‌که امتنانت بر من نیکوست.

شرح نهج‌البلاغه، ج ۲، ص ۳۱۹

۲۹ قطع امید!؟

قَالَ السَّجَّادُ علیه‌السلام:

أَ أَقْطَعُ رَجَائی مِنْکَ وَ قَدْ اَوْلَیتَنی مَا لَمْ أَسْأَلْهُ مِنْ فَضلِک.

آیا از تو قطع امید کنم با آنکه بدون سؤال به من از فضل خود عطا فرمودی.

بحارالانوار، ج ۹۴، ص ۱۴۴

۳۰ ثمره‌ی توکل و حُسن ظنّ

قَالَ عَلِیٌّ علیه‌السلام:

الثِّقَةُ بِاللّٰه و حُسنُ الظّنِّ بِه حِصْنٌ لا یَتَحَصَّنُ بِهِ اِلّا کُلُّ مُؤمِنٍ و التَّوَکُّلُ عَلیِّهِ نَجاةٌ مِنْ کُلِّ سوءٍ و حِرْزٌ مِنْ کُلِّ عَدُوٍّ.

اطمینان به خدا و حُسن ظن به او پناهگاهی
است که جز مؤمنان به آن پناه نمی‌برند
و توکّل بر او رهایی از هر بدی و امان از هر
دشمن است.

مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۵۰

۳۱ بهشت یا رنج و محنت؟

قَالَ عَلِیٌّ عليه‌السلام:

مَنْ حَسُنَ ظَنُّهُ بِاللهِ فازَ بِالجَنَّةِ،
مَنْ حَسُنَ ظَنُّهُ بِالدُّنیا تَمَکَّنَتْ مِنهُ المِحْنَةَ.

هر که به خدا گمان نیک برد، به بهشت دست یافت ، و هر که به دنیا گمان نیک برد به رنج و محنت گرفتار آمد.

غررالحکم، صص ۲۵۳ و ۱۲۹

۳۲ اخلاص، لازمه ی حُسن ظن

قَالَ عَلِیٌّ عليه‌السلام:

حُسنُ الظَّنِّ اَنْ تُخْلِصَ العَمَلَ
و تَرْجُوَ مِنَ اللهِ اَنْ یَعْفُوَ عَنِ الزَّلَلِ.

خوش‌گمانی[به خدا] این است که عمل را [برای او] خالص گردانی و امیدوار باشی که خداوند از لغزش ها درگذرد.

غررالحکم، ص ۸۳

۳۳ شرط حُسن ظن

قَالَ الصَّادِقُ عليه‌السلام:

حُسنُ الظَّنِّ يَدْعُوا اِلی حُسنُ العِبادَةِ و المَغْرور يَتمادی فِی المَعْصيَة و يَتَمَنَّی المَغْفِرَة.

خوش‌گمانی [به پروردگار] منجر به عبادت نیکو می‌شود و فریفتهٔ دنیا در گناه غوطه‌ور می‌گردد و آرزوی بخشش دارد.

مصباح‌الشريعة، ص ۱۷۳

۳۴
وسیله‌ی جلب رحمت

قَالَ الصَّادِقُ علیه‌السلام:

فَكُنْ يا ذَالْجَلالِ و الإكْرام عِنْدَ اَحْسَنِ ظَنِّى بِكَ وَ رَجائِى لَكَ وَ ارْحَمْ تَضَرُّعِى وَ اسْتِكانَتِى وَ ضَعْفَ رُكْنِى وَ امْنُنْ بِذَلِكَ عَلَىَّ وَ عَلِىَّ كُلِّ داعٍ دَعاكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ای پروردگار بزرگ و بنده‌نواز! با من، برابرِ خوش‌گمانی و امیدواری‌ام رفتار کن و بر زاری، ناتوانی و سستی من ترحّم نما، و بوسیله ی آن بر من و به هر کس که به درگاهت دعا کند منّت نِه؛ ای مهربان‌ترین مهربانان!

اصول کافی، ج ۲، ص ۵۵۸

۳۵ راه دستیابی به آمال

قَالَ الصَّادِقُ عليه‌السلام:

ثَلاثَةٌ مَنْ تَمَسَّکَ بِهِنَّ نَالَ مِنَ الدُّنیا وَ الآخِرَةِ بُغْیَتَهُ:

مَنِ اعْتَصَمَ بِاللهِ و رَضِیَ بِقَضَاءِ اللهِ و اَحْسَنَ الظَّنَّ بِاللهِ.

هر کس بدین سه کار، پایبند باشد، به دلخواه خویش از دنیا و آخرت دست یابد:
آن‌که در دامان پروردگار، پناه گیرد، و به تقدیر الهی خشنود شود و به خداوند گمان نیکو برد.

تحف العقول، ص ۳۱۶

۳۶ مبنای دست‌یابی به سعادت

قَالَ البَاقِرُ علیه‌السلام:

ما اُعْطِیَ مُؤمِنٌ قَطُّ خَیْرَ الدُّنْیَا و الآخِرَة اِلّا بِحُسنِ ظَنِّه بِاللهِ وَ رَجَائِه لَهُ.

به مؤمن هرگز، خیر دنیا و آخرت داده نشود، مگر به [سبب] گمان نیک و امیدواری به پروردگار.

اصول الکافی، ج ۲، ص ۷۲

۳۷ مایه‌ی آرامش دل

قَالَ الرِّضَا عليه‌السلام:

اَنَّ اللهَ تبارک و تعالی اَوْحیَ اِلَی دَاوُد عليه‌السلام: فُلانَةُ بِنْتُ فُلانَةَ مَعَکَ فِي الجَنَّةِ فِي دَرَجَتِکَ فَسَارَ اِلَیْهَا فَسَأَلَهَا عَنْ عَمَلِهَا فَخَبَّرَتْهُ فَوَجَدَهُ مِثْلَ سائِرِ اَعْمالِ النّاسِ فَسَأَلَهَا عَنْ نِیَّتِهَا فَقَالَتْ: ما کُنْتُ فِي حالَةٍ فَنَقَلَنِي مِنْهَا اِلَی غَیْرِها اِلّا کُنْتُ بِالْحَالَةِ الَّتِي نَقَلَنِي اِلَیْها اَسَرَّ مِنِّي بِالْحَالَةِ الَّتِي کُنْتُ فِیهَا فَقَالَ: «حُسنِ ظَنِّکِ بِاللهِ عزّوجلّ».

خداوند تبارک و تعالی به داوود عليه‌السلام وحی کرد: فلان زن، دختر فلان فرد، همراه تو در بهشت و هم رتبهٔ توست. [داوود عليه‌السلام] نزد او رفت و از عملکرد او پرسید: [آن زن] داوود عليه‌السلام را [از نوع عملکرد خود] آگاه کرد. داوود عليه‌السلام اعمال او را مانند اعمال سایر مردم یافت. سپس از نیّت او پرسید. آن بانو پاسخ داد: در هیچ شرایطی نبودم که خدا مرا از آن به حالت دیگر منتقل کرد مگر این که در حالت دوّم مسرورتر از حالت قبل بودم داوود عليه‌السلام فرمود: گمان تو نسبت به پروردگار عزّوجل نیکو است.

مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۴۸

۳۸ سخاوت؛ نتیجه‌ی حُسن ظن به خدا

قَالَ الصَّادِقُ عليه‌السلام:

اِنْ كانَ الخَلَفُ مِنَ اللهِ عزّوجلّ حقّاً فَالْبُخْلُ لِماذا؟!

اگر خداوند عزّوجل، به راستی پاداش و عوض می‌دهد پس بخل ورزیدن چرا؟

بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۷

۳۹

مانع حسد ورزی

قَالَ السَّجّادُ علیه‌السلام:

اَلْحَمدُلله رضیً بِحُکْمِ الله، شَهِدْتُ اَنَّ الله قَسَمَ مَعایشَ عِبادِهِ بِالْعَدْلِ وَ اَخَذَ عَلِیٌّ جَمیعِ خَلْقِهِ بِالْفَضْلِ. اَللّهُمَّ صَلِّ عَلِیٌّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ لا تَفْتِنّی بِما اَعْطَیْتَهُمْ وَ لا تَفْتِنْهُمْ بِما مَنَعْتَنِی فَاَحْسُدَ خَلْقَکَ وَ اَغْمَطَ حُکْمَکَ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلِیٌّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ طَیِّبْ بِقَضائِکَ نَفْسِی.

خدای را سپاس می‌گویم و به حکم او رضا دهم، گواهی دهم که خدای تعالی روزی بندگان را به عدل تقسیم کرده و به هر یک از آفریدگان، بیش از حاجتش عطا فرموده، خدایا! بر محمّد و خاندان او درود فرست و مرا بدانچه به آنها [مردم] ارزانی داشته‌ای شیفته مکن و آنان را به نعمتی که از من منع فرمودی، فریفته مساز! من بر آفریدهٔ تو رشک نبرم و حکم تو را خوار نشمرم، خدایا بر محمّد و خاندان او درود فرست ودل مرا به تقدیر خود، خوش کن!

صحیفه‌ی سجادیه، دعای ۳۵

۴۰ از آداب دعا

قَالَ الصَّادِقُ عليه‌السلام:

اِذا دَعَوْتَ فَظُنَّ اَنَّ حَاجَتَکَ بِالْبَاب.

چون دعا کنی، چنین خیال کن که حاجت تو بر درِ خانه است.

بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۳۱۲

مجموعه گل

حُسن ظن

- سوءظن
- لقمه
- همنشین
- جلوه‌ی جلال
- جلوه‌ی جمال
- راه و همراه
- برکت
- همسایه
- بلا
- سکوت و کلام
- نماز شب
- حب اهل بیت علیهم‌السلام
- معیارها
- نشاط و غم
- حُسن خُلق
- دو گوهر
- تهذیب
- ساده‌زیستی
- کلام وحی
- مؤمن
- صبر
- گناه
- صله‌ی رحم
- توبه
- راستگویی
- سخاوت و انفاق
- خوف و رجاء
- ذکر
- اخلاص
- توکل
- دروغ
- فرزندان
- نماز
- حیا
- ازدواج
- ادب
- انتظار فرج
- غدیر
- معاشرت